ماه‌های پیش‌رو می‌تواند گردنه‌ای صعب‌العبور برای ایران باشد

■ بحران‌های گوناگونی که در عرصه‌های روابط خارجی، اقتصاد و چالش‌های اجتماعی ذکر شد، در کنار یکدیگر، کشور را در موقعیتی خطیر قرار داده است. ماه‌های پیش‌رو و سال آینده می‌تواند گردنه‌ای پرپیچ و صعب‌العبور برای ایران عزیز باشد.

مسعود نیلی- اقتصاد دان

گروه اقتصادی -«شاید سیاستمداران ما شبیه به کوهنوردانی شده‌اند که در سرمای کوهستان، گرفتار سرمازدگی شده‌اند و در پی آن، به خواب رفته‌اند. این یادداشت هرچند بسیار تلخ نوشته شده است، اما امیدوارم تلخی آن، نیشتری باشد که این افراد را از خواب سرمازدگی بیدار کند. مردم ما حق دارند بدانند که نظام تصمیم‌گیری برای مواجهه با شرایطی که احتمال وقوع آن بسیار زیاد است و زندگی آنها را کاملا تحت تاثیر قرار می‌دهد، چه برنامه‌ای دارد.»

مسعود نیلی طی یادداشتی نوشت: به یاد دارم در سال‌های دور گذشته و در زمان‌هایی که در سازمان برنامه و بودجه کار می‌کردم، در چند نوبت، مسوولیت تهیه گزارش‌هایی تحت عنوان چشم‌انداز ۱۰سال آینده اقتصاد ایران را برعهده داشتم.

هدف اصلی این کار آن بود که ابعاد شکاف‌ها وعدم تعادل‌هایی که در آن مقطع زمانی غیر قابل مشاهده ملموس بود اما در گذر زمان، روند رو به افزایش داشت، در همان ابتدا نمایان شود. به‌عنوان مثال، ابعاد کسری بودجه یاعدم تعادل در تراز پرداخت‌ها و غیره، از این طریق برای سیاستگذار روشن و مشخص می‌شد. یک فرض تلویحی هم در انجام این کار وجود داشت و آن هم این بود که تصمیم‌گیرنده خود را در قبال حل مشکلات، مسوول می‌شناسد و لذا قاعدتا از مواجه شدن با مسائل بزرگ و بحرانی، اجتناب می‌کند.

طی چند ماه اخیر، تعدد و تنوع مشکلات بزرگ به‌شدت افزایش پیدا کرده و از مرحله نگرانی عبور کرده‌ایم. آنچه درباره وقوع آن در آینده هشدار داده می‌شد، در زمان حال محقق شده و ابعاد آسیب‌زای خود را نمایان ساخته است. در اینجا به فهرستی از این مسائل اشاره می‌کنم:

۱. مسائل خارجی

۱-۱. انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا و شناختی که از عملکرد او در دور پیشین ریاست‌جمهوری‌اش حاصل شده است، احتمال‌های مختلفی را مطرح می‌سازد که شاید یکی از اولین و بدیهی‌ترین آن‌ها این است که محدودیت‌هایی را که در دوره بایدن در زمینه صادرات نفت کشور کاهش پیدا کرده بود، تشدید کند و از این طریق، بازار ارز و بودجه و تولید و تورم ما را تحت تاثیر جدی قرار دهد. قاعدتا هرچه این احتمال بیشتر باشد، فروض لحاظ‌شده برای اقتصاد سال آینده، گمراه‌کننده‌تر خواهد بود.

۱-۲. سران کشورهای بزرگ اروپایی در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل، درباره فعال شدن مکانیزم ماشه و بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت در سال آینده، مسائل بسیار جدی را مطرح کرده‌اند. قاعدتا در صورت تحقق چنین شرایطی، وضعیت سال آینده از آنچه در بند قبل مطرح شد هم دشوارتر خواهد شد.

۱-۳. وقایعی که در منطقه خاورمیانه، ابتدا در غزه و سپس در لبنان به وقوع پیوست، نهایتا به رودررویی مستقیم نظامی میان ما و رژیم اسرائیل ختم شده است که مطمئنا، فارغ از ابعاد پیچید نظامی و سیاسی، پیامدهای اقتصادی تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.

۱-۴. تحولات اتفاق‌افتاده در سوریه بسیار مهم و اثرات آن حائز اهمیت بالا خواهد بود و علاوه بر آن، احتمالا رابطه ایران و ترکیه را هم تحت تاثیر قرار خواهد داد.

۲. مسائل اقتصادی

۲-۱. ناترازی انرژی همان‌گونه که مشهود است، شکل کاملا بحرانی به خود گرفته است. بحران انرژی برای کشوری با رتبه دوم گاز و رتبه چهارم نفت در جهان، غمی سنگین بر دل و عرقی از روی شرمساری بر پیشانی می‌نشاند. شک ندارم که بحران انرژی در کشور نفتی-گازیِ ما، در کتاب‌های درسی اقتصاد پایهَ، به‌عنوان یک مورد عبرت‌آموز، ثبت و ذکر خواهد شد. بحران انرژی نیمی از کشور را در شرایطی که دمای هوا هنوز کاملا زمستانی نشده به تعطیلی کشانده است. برآوردهای با تقریب قابل قبول شکاف انرژی و تاثیر تعیین‌کننده آن بر قفل شدن فعالیت‌های اقتصادی و اداری در سال آینده و سال‌های پس از آن، بسیار ساده و بسیار دردآور است.

۲-۲. آلودگی هوا که نه ناشی از صنعتی شدن و رشد بالای اقتصادی، بلکه برآمده از اقتصادی است که در تولید درجا می‌زند؛ اما در مصرف در حال تخریب حال و آینده کشور است، سم غلیظ و سرطان‌زا را به ریه‌های کودکان و سالمندان آسیب‌پذیر کشورمان می‌برد و بی‌رحمانه نسل‌کشی می‌کند.

۲-۳. فرونشست‌های خاک در جغرافیای کشور به‌سرعت در حال گسترش است و آینده سرزمینی ایران را در معرض تخریب قرار داده است.

۲-۴. ابعاد کسری بودجه برای دولتی که کم‌توان در ارائه خدمات عمومی، ضعیف در ارتقای سطح رفاه کارکنان خود و بدون بنیه در انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی است و در درون خود، بار سنگین ورشکستگی نظام بازنشستگی را هم به دوش می‌کشد، حتی با فروض درنظر گرفته‌شده در بودجه سال آینده، هشداردهنده است. این بار سنگین، نظام بانکی بیمار را هم دچار ناترازی هشداردهنده کرده است.

۲-۵. نوسانات بزرگ و مخرب بازار ارز، همراه با تورم بالا که به جزء ثابت و همیشگی از زندگی اقتصادی ما تبدیل شده، فقط علامت بی‌ثباتی وعدم قطعیت می‌دهد.

۳. مسائل اجتماعی

۳-۱. افزایش ۱۰میلیونی به جمعیت زیر خط فقر که در سال‌های اخیر اتفاق افتاده، واقعه‌ای بسیار مهم است و قاعدتا باید تبدیل به بزرگ‌ترین نگرانی نظام حکمرانی می‌شد. پیامد این اتفاق بزرگ را می‌توان در اعتیاد و طلاق و وقوع انواع جرم‌ها مورد شناسایی قرار داد.

۳-۲. انتشار اطلاعات با تواتر نسبتا زیاد که هر از چندی درباره فسادهای رخ‌داده در زندگی مقامات کشور یا فرزندان آن‌ها صورت می‌گیرد، در کنار بنگاه‌داری‌های رانتی غیرخصوصی و غیردولتی، وقتی با فشارهای سنگین اقتصادی که به زندگی مردم وارد می‌شود، همراه باشد، بنیان سرمایه اجتماعی نظام حکمرانی را از این هم سست‌تر می‌کند. پیمایش‌های انجام‌شده از نگرش‌های ایرانیان نشان می‌دهد که وضعیت سرمایه اجتماعی نظام حکمرانی در حضیض تاریخی خود قرار دارد.

> **مردم ما حق دارند بدانند که نظام تصمیم‌گیری برای مواجهه با شرایطی که احتمال وقوع آن بسیار زیاد است و زندگی آن‌ها را کاملا تحت تاثیر قرار می‌دهد، چه برنامه‌ای دارد. اگر نظام تصمیم‌گیری برای شرایط دشوار پیش‌رو، سندی در دست تهیه دارد، لازم است به جامعه اعلام کند که چگونه قرار است از چنین شرایط مهلکی خارج شویم.**

۳-۳. گسست‌های اجتماعی-فرهنگی موجود میان جامعه به‌ویژه در میان جوانان، کاملا هشداردهنده و آتش زیرخاکستری است که هرچند با شعله‌ور شدن در سال ۱۴۰۱، هشدارهای خود را داد، اما شواهد درباره نحوه مواجهه با مساله فیلترینگ و موارد مشابه، نشان می‌دهد که این هشدارها به اندازه کافی جدی گرفته نشده است.

۴. جمع‌بندی

بحران‌های گوناگونی که در عرصه‌های روابط خارجی، اقتصاد و چالش‌های اجتماعی ذکر شد، در کنار یکدیگر، کشور را در موقعیتی خطیر قرار داده است. ماه‌های پیش‌رو و سال آینده می‌تواند گردنه‌ای پرپیچ و صعب‌العبور برای ایران عزیز باشد. خطا در تشخیص موقعیت می‌تواند هزینه‌های جبران‌ناپذیر تاریخی ایجاد کند. عبور از این گردنه، نیازمند تحلیلی واحد و عزمی یکپارچه در کل نظام تصمیم‌گیری کشور در گذر با حداقل هزینه از آن است. از نظر نگارنده این سطور، بزرگ‌ترین آفت نظام حکمرانی ما، وجود تحلیل‌های متفاوت راهبردی، همراه با دادن وزن‌های کاملا متفاوت به موضوعات، در میان مقامات اصلی تصمیم‌گیرنده کشور است. مسائل سیاسی و امنیتی، در جزیره‌ای جدا، مسائل اقتصادی در جزیره‌ای دیگر و مسائل اجتماعی هم معمولا در جایی به بحث گذاشته نمی‌شود. جزایرِ مسائل سیاسی-امنیتی و اقتصادیَ نه تنها از هم جدایند، بلکه دارای رابطه سلسله مراتبی هم با یکدیگر هستند. به این معنی که رویکردهای سیاسی-امنیتی دارای تفوق سازمانی بر رویکردهای اقتصادی هستند. این شیوه از سازمان حکمرانی، نه‌تنها فاقد کارآیی در عبور دادن کشور از گردنه بسیار سخت پیش‌رو است و می‌تواند هزینه‌ای بسیار سنگین برای آینده کشور ایجاد کند، بلکه خطاهای محاسباتی راهبردی را هم نتیجه می‌دهد. نظام سازمانی حکمرانی در کشور ما به‌گونه‌ای است که مرکز و نهادی برای بررسی یکجای همه این مسائل در آن پیش‌بینی نشده است.

عظمت مشکلات و ماهیت سیاسی-اجتماعی و اقتصادی آن‌ها ایجاب می‌کند که ابتدا به‌طور توامان، مسیر سیاسی بازشده و اعتماد اجتماعی ارتقا یابد تا امکان انجام اصلاحات اقتصادی فراهم شود. مدت‌هاست که راه‌حل‌های سیاستی بدون گره‌گشایی سیاسی، کارکرد خود را از دست داده است.

لذا قواعد حاکم بر نظام سیاسی ما، امکان برنامه‌ریزی تک‌قوه‌ای قوه مجریه را برای پرداختن به حل مشکلات اقتصادی فارغ از دو بعد دیگر سیاسی و اجتماعی سلب کرده است. به‌عنوان مثال، فرض کنید دولت تلاش کند تا فاصله میان نرخ‌های ارز را کاهش دهد. اما وقتی اقتصاد مرتبا در معرض شوک‌های سیاسی خارجی است، طبیعتا حملات سیاسی تلاش‌های صورت‌گرفته را نقش بر آب می‌کند.

سوال اساسی و بسیار مهم این است که فهرست مسائل ذکرشده در این نوشته یا موارد مشابه در حال حاضر، به صورت یکجا روی میز کدام مقام مسوول یا نهاد تصمیم‌گیر قرار دارد و درباره آن‌ها آیا در حال حاضر جایی برای چگونگی گذر از چالش‌های بحرانی پیش‌رو در ماه‌ها و سال آینده درحال برنامه‌ریزی هست یا نه؟ فهرست ذکرشده در این نوشته، به معنی واقعی کلمه، لرزه بر اندام انسان می‌اندازد و خواب را از چشم‌ها می‌رباید. هر مقام مسوولی تا مطمئن نشود که چگونگی عدم مواجهه با برخی از موارد از طریق دور راندن آن و چگونگی مواجهه با برخی دیگر از طریق عبور از آن مشخص شده است، نباید آرام گیرد.

اما علائمی که دریافت می‌شود چنین اهمیت و حساسیتی را نشان نمی‌دهد. پررونق‌ترین بازار در کشور ما، همچنان، بازار دعواهای سیاسی و مشغول شدن به تخریب ظرفیت‌های درونی نظام سیاسی و نابودسازی مقدَار ناچیز باقی‌مانده از سرمایه اجتماعی نظام تصمیم‌گیری است. کافی است کسی بررسی کند و ببیند در میانه این همه مشکلات هول‌انگیز، مشغله اصلی سیاستمداران موثر ما چه بوده است. گروهی، همه تلاش خود را صرف ترغیب تصمیم‌گیرندگان به افتادن در عرصه درگیری‌های نظامی می‌کنند.

گروهی دیگر، به‌طور خستگی‌ناپذیر در تلاش برای برکناری فلان مقام مسوول و استعفای فلان مقام دیگر مسوول هستند و عده‌ای دلواپسِ تاخیر در ابلاغ قانون حجابند. از سوی دیگر، در سطوح بالای دولت، هنوز راجع به رشد ۸درصد و اجرای برنامه هفتم صحبت می‌شود و مجلس شورای اسلامی با جدیت و صرف وقت در حال بررسی بودجه‌ای است که احتمال محقق شدن فروض اصلی آن بسیار پایین است، گویی هرنهادی سعی می‌کند خود را از مسائل اصلی دور نگه داشته و به مسائل دست چندم مشغول کند.

شدت دور بودن دغدغه‌های اکثر حکمرانان ما از مسائل مهم ذکرشده بعضا به اندازه‌ای است که گویی آن‌ها در کشوری دیگر مسوولیت دارند. لذا این نگرانی به‌وجود می‌آید که شاید سیاستمداران ما شبیه به کوهنوردانی شده‌اند که در سرمای کوهستان، گرفتار سرمازدگی شده‌اند و در پی آن، به خواب رفته‌اند. این یادداشت هرچند بسیار تلخ نوشته شده است، اما امیدوارم تلخی آن، نیشتری باشد که این افراد را از خواب سرمازدگی بیدار کند.

مردم ما حق دارند بدانند که نظام تصمیم‌گیری برای مواجهه با شرایطی که احتمال وقوع آن بسیار زیاد است و زندگی آن‌ها را کاملا تحت تاثیر قرار می‌دهد، چه برنامه‌ای دارد. اگر نظام تصمیم‌گیری برای شرایط دشوار پیش‌رو، سندی در دست تهیه دارد، لازم است به جامعه اعلام کند که چگونه قرار است از چنین شرایط مهلکی خارج شویم. اگر به همین صورت پیش برویم، جامعه دچار پاندمی یأس خواهد شد که امیدوارم عواقب این پاندمی به‌طور واقعی درک شده باشد. زمان آن فرارسیده است که هرچه سریع‌تر، تصمیماتی هرچند تلخ، اما بسیار مهم و سخت گرفته شود. لحظه به خواب رفتن در حالت سرمازدگی، مرگ قطعی را در پی خواهد داشت. مراقب پاندمی یأس باشید.

مشاور معاون وزیر نفت اعلام کرد:

عرضه بنزین سوپر وارداتی تا آخر سال

گروه اقتصادی -مشاور معاون وزیر نفت در امور پالایش و پخش فراورده‌های نفتی از عرضه بنزین سوپر وارداتی در جایگاه‌های سوخت تا آخر سال خبر داد.

عماد رفیعی در همایش کشوری شکوفایی سبز، نوآوری‌های انرژی و حمل و نقل پاک گفت: بنزین سوپر تا آخر امسال در جایگاه‌ها عرضه خواهد شد و با تعاملی که با واردکنندگان داشتیم، پیش‌بینی می‌کنیم که با قیمت هر لیتر ۴۰ هزار تومان عرضه شود، مشروط به اینکه بانک مرکزی همکاری در زمینه تخصیص ارز نیمایی را با ما داشته باشد. وی با بیان اینکه این پیش‌بینی ۴۰ هزار تومان برای قبل از افزایش قیمت ارز است و احتمال دارد اکنون به قیمت ۵۰ هزار تومان برسد، اظهار کرد: پیش‌بینی ما این است که تقاضا برای این بنزین وجود دارد.

رفیعی افزود: طبق برآوردهای صورت گرفته در ابتدای امر میزان تقاضا برای بنزین سوپر بیش از ۲۰۰ هزار لیتر در روز نباشد که با توجه به میزان مصرف ۱۲۵ میلیون لیتر در روز عدد کمی است؛ اما اگر به مرور زمان بتوانیم مشوق های نرخ ارز ترجیحی و معافیت مالیات بر ارزش افزوده و گمرکی را داشته باشیم قیمت بتواند بین ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان باشد.

رفیعی با اشاره به افزایش قیمت کارت جایگاه و عدم تغییر قیمت بنزین ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ تومانی گفت: این مساله به غیر از این‌که موجب افزایش قاچاق و بد مصرفی شده دیتاهای ما را به شدت تحت تاثیر قرار داده است، به دلیل این‌که افراد انگیزه‌ای برای استفاده از کارت سوخت شخصی ندارند.

وی افزود: در زمینه کارت جایگاه احتمالا یا کارمزد استفاده از کارت جایگاه در نظر می گیریم و یا این‌که قیمت کارت جایگاه مقداری متفاوت باشد. مشاور مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با اشاره به ناترازی انرژی در کشور اظهار کرد: ما به عنوان یک کشور نفتی که از نظر منابع نفت خام و گاز طبیعی در رتبه بالایی قرار داریم، گفت: به صورت تاریخی نیز یک شرکت نفتی هستیم به طوری که مهم‌ترین منابع بودجه‌ای کشور منابع نفتی بوده است.وی با بیان این‌که تا ۱۲۰ سال آینده منابع نفت و گاز را خواهیم داشت اما با توجه به روند مصرف باید به سمت واردات انرژی به ویژه واردات بنزین و گازوئیل پیش برویم، اظهار کرد: با توجه به تخفیف‌هایی که در زمینه خوراک و سوخت صنایع وجود دارد بیشترین مالیاتی که از شرکت‌های انرژی‌بر دریافت می کنیم، همان سود ناشی از یارانه‌های انرژی است. پس در نتیجه اگر روزی نتوانستیم یارانه‌های انرژی را دریافت کنیم، درآمدها نیز به شدت تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.مشاور مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با بیان این‌که با توجه به این‌که غلطک ناترازی انرژی به سرعت به سمت ما حرکت می کند ما نیز مجبور هستیم سیاست‌ها را برای تبدیل شدن به یک اقتصاد غیرنفتی داشته باشیم، به طوری که تا چهار سال آینده به یک نتایجی برسیم، اظهار کرد: سرعت سیاست گذاری‌ها و فعالیت‌ها برای عبور از بحران ناترازی انرژی باید به گونه‌ای باشد که در چهار سال پیش‌رو راه هایی که در ۷۰ سال گذشته را انجام نداده‌ایم انجام دهیم. وی با اشاره به اهمیت بازارسازی انرژی و کوچک‌سازی اقتصاد یارانه‌ای در زمینه انرژی گفت: این‌که بخش خصوصی نسبت به واردات بنزین سوپر اقدام کند، امر مهمی بود. طی دو سال اخیر تقریبا در کشور بنزین سوپر نداشتیم اما اقدامی که در این راستا صورت گرفت شرایط را بهبود بخشید. به گفته مشاور مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با اجرای چنین سیاست‌هایی می توانیم قیمت یارانه‌ای را کاهش دهیم و مدیریت بهتری داشته باشیم. رفیعی با بیان این‌که استفاده از سوخت سی ان جی در سال‌های اخیر با کاهش مواجه بوده است، اظهار کرد: درصد استفاده از سی ان جی از ۲۱ درصد به ۱۳ درصد کاهش یافته که باید اصلاح شود.

وی با بیان این‌که عمر مفید مخازن سی ان جی ۱۵ سال است لذا خیلی از این مخازن سی ان جی باید اصلاح شوند، گفت که موضوع نوسازی مخازن تاکسی‌ها را به صورت رایگان در دستور کار داریم که بخشی از آن انجام شده و به دنبال این هستیم که برای وانت‌بارها نیز همین کار را انجام دهیم. مشاور مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با بیان این‌که مذاکراتی را با آژانس‌های اینترنتی در همین راستا داشته‌ایم که رانندگان آنها حتی اگر تاکسی نباشد، نیز نسبت به تبدیل خودروی خود اقدام کند و بخش عمده‌ای از هزینه تبدیل را ما پرداخت کنیم و میزان کارمزد را نیز شرکت‌های اینترنتی کاهش دهند تا مالکان خودروها انگیزه این کار را داشته باشند.

مظاهری رئیس اسبق بانک مرکزی:

حذف چهار صفر کارساز نیست، حداقل باید شش صفر را حذف کنیم

گروه اقتصادی -رئیس اسبق بانک مرکزی گفت: در حال حاضر حذف چهار صفر با تورم‌های بالایی که وجود دارد کارساز نیست و اگر دولت بخواهد کار معنادار و مفیدی انجام دهد، حداقل باید شش صفر را حذف کند. طهماسب مظاهری -کارشناس اقتصادی - درباره حذف چهار صفر از پول ملی اظهار کرد: حذف صفر از پول ملی یا همان اصلاح پولی زمانی اتفاق می‌افتد که یک کشور چند سال پی در پی تورم‌های بالا را تجربه کند و ارزش پول ملی آن کم شود و در نهایت هم پول ملی آن کشور به نسبت کشورهایی که با آن‌ها خریدوفروش و مراوده دارد نامتناسب و نامعقول شود. وی که در یک برنامه رادیویی صحبت می‌کرد، افزود: اگر دولت تصمیم بگیرد اسکناس درشت چاپ نکند ارزش اسکناس‌های موجود به‌شدت کاهش پیدا می‌کند؛ به‌طوری‌که ممکن است حتی به‌اندازه هزینه چاپ آن هم نشود. رئیس اسبق بانک مرکزی گفت: کشورهایی که شرایط لازم را دارند هر چند سال یکبار تعدادی از صفرهای پول ملی خود را حذف می‌کنند که البته ما هم در زمان ریاست‌جمهوری دکتر احمدی‌نژاد، پیشنهاد حذف چهار صفر را دادیم که در آن زمان پیشنهاد معقول و خوبی بود؛ اما در نهایت امر، بحث قانونی آن به ثمر نرسید. مظاهری مطرح‌شدن مجدد بحث حذف چهار صفر از پول ملی را از دو جنبه مورد بررسی قرارداد و اظهار کرد: اکنون حذف چهار صفر با تورم‌های بالایی که وجود دارد کارساز نیست و اگر دولت بخواهد کار معنادار و مفیدی انجام دهد حداقل باید شش صفر را حذف کند. وی خاطرنشانِ کرد: بحث حذف صفر از پول ملی الزاماً به معنای تغییر اسم پول ملی نیست و ضرورتی ندارد؛ اما از آنجایی که کلمه ریال در فرهنگ مردم ایران جا نیفتاده و کسی از این کلمه استفاده نمی‌کند می‌توان در جهت همراهی دولت و حکومت با مردم از کلمه مورد قبول خود مردم برای پول ملی استفاده کرد. این کارشناس اقتصادی در بخش دیگر اظهارات خود به مشکلات عدیده نظام پولی و بانکی و اقتصادی کشورمان اشاره کرد و گفت: ناترازی، تسهیلات تکلیفی، زیان دهی بانک‌ها، تورم و کسری بودجه از مسائل جدی مملکت ما هستند که باید به آن‌ها رسیدگی شود؛ لذا اگر دولت و مجلس قصد بکارگیری ظرفیت کارشناسی خود و ظرفیت جامعه و انجام اقدامات اصلاحی را دارند باید گفت که حذف صفر از پول ملی اقدام اصلح و اولویت‌دار کشور نیست که برای آن وقت و انرژی صرف کنند. مظاهری با تأکید بر اینکه دولت و مجلس در شرایط کنونی باید نیروهای کارشناس خود را برای حل مشکلات مهم اقتصادی کشور به کار بگیرند، اظهار کرد: اولویت امروز، اصلاح نظام پولی و بانکی است و اگر نیروی کارشناسی وجود دارد و قرار است دولت از ظرفیت مردمی کمک بگیرد بهتر است ابتدا برای حل مشکلات اساسی کشور اقدام شود.

انتظارات تورمی و ناترازی‌های مالی، بازیگران بازار ارز!

گروه اقتصادی -نرخ ارز در بازار غیررسمی در روزهای اخیر در حالی افزایش داشته که کارشناسان علت آن را در انتظارات تورمی، پیش بینی ناپذیری اقتصاد داخلی و ناترازی ها در بخش‌های مختلف مالی جست‌وجو می کنند زیرا نرخ ها در بازار ارز رسمی که بخش اعظم مبادلات ارزی کشور در آنجا انجام می‌شود، نه تنها ثبات دارد بلکه کاهشی نیز بوده است.

در هفته های اخیر بهای ارزهای عمده در بازار غیررسمی افزایش یافته و این اقدام در حالی رخ داده که وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی برای نزدیک کردن نرخ‌ها در بازار نیمایی و غیررسمی در تلاشند که در همین راستا بازار ارز تجاری از ۲۴ آذرماه فعالیت رسمی خود را آغاز کرده است.

در این بازار که به تدریج محور اصلی فعالیت های ارزی کشور خواهد بود، صادرکنندگان و واردکنندگان در فضای تعاملی و خارج از نرخ‌گذاری های دستوری اقدام به معامله ارز می کنند و به تدریج با استفاده از این مکانیسم بازار ارز توافقی جایگزین بازار غیر رسمی خواهد شد.

البته باید گفت که همزمانی آغاز رسمی فعالیت بازار ارز توافقی با تعطیلات ناشی از آلودگی هوا و ناترازی انرژی سبب شد تا بسیاری از شرکت ها و دارندگان ارز نتوانند، ارز خود را در این بازار جدید عرضه کنند هرچند با پایان یافتن تعطیلات، نرخ ها در بازار توافقی در محدوده مناسبی مبادله شد و رضایت خریدار و فروشنده را به دنبال داشت.

در روزهای گذشته دولتمردان اقتصادی دولت اعلام کرده‌اند که با استقرار کامل بازار توافقی و ورود ارز پتروشیمی ها، پالایشی ها و معدنی ها به این بازار در ماه آینده و افزایش عرضه در این بازار جدید قطعا بازار ارزهای داخلی به سمت کاهش حرکت خواهد کرد.

نگاهی به تحولات نرخ های ارز در بازار غیررسمی نشان می دهد که این بخش تابع انتظارات تورمی و عوامل روانی موثر بر بازار است همچنان که در سال های گذشته نیز این دو عامل بر بازار تاثیر گذار بود.

انتظارات تورمی و ناترازی‌ها

بخش عمده‌ای از افزایش نرخ ارز در دهه های اخیر ریشه در ناترازی‌های اقتصاد کلان کشور دارد؛ بالا بودن سطح تورم و انتظارات تورمی، رشد بالای نقدینگی و کسری بودجه از جمله این ناترازی هاست و در چنین شرایطی نمی توان انتظار داشت که نرخ ارز در سطح ثابتی حفظ شود؛ از این رو اصلاحات اقتصادی با رویکرد رفع ناترازی ها در دستور کار تیم اقتصادی دولت قرار گرفته است.

ناترازی نظام بانکی، ناترازی در بودجه و ناترازی در بخش انرژی، ناترازی در شرکت های دولتی و صندوق های بازنشستگی از جمله این ناترازی‌ها به شمار می رود که هر کدام به اندازه خود بر شاخص های کلان اقتصادی اثر می گذارد و به تبع آن بازار ارز نیز از آن تاثیر می پذیرد.

اخبار سیاسی و فضاسازی منفی رسانه‌ای بازارهای دارایی به شدت از رخدادهای سیاسی و خبرسازی های رسانه ای تاثیر می پذیرد چنانکه در سال های اخیر نیز هر گاه موج اخبار منفی رسانه ای علیه ایران شدت یافته، نوسانات در بازار ارز نیز بیشتر شده است؛ این نوع نوسانان ها در سال های اخیر بخصوص خروج آمریکا از برجام و پس لرزه های ارزی آن همواره مشهود بوده است.

در پاییز امسال نیز این عوامل روانی بر بازار ارز سایه انداخته بود؛ تهدیدهای رژیم صهیونیستی، انتخابات آمریکا، شایعه کاهش فروش و صادرات نفت ایران و تحولات منطقه از جمله رویدادهای سیاسی موثر در بازار ارز در ماههای اخیر بوده اند و در هفته های پیش رو که دوره جدید ریاست جمهوری آمریکا آغاز می شود، دوباره عوامل روانی از هم اکنون فعال شده‌اند.

یکی از مهمترین عوامل نوسانات ارزی در بازه زمانی کوتاه مدت، خروج سرمایه به شکل افزایش تقاضای نگهداری دارایی های خارجی نسبت به دارایی های داخلی است که هر نوع شوک داخلی و خارجی، نوسان های ارزی و عدم پیش بینی پذیری روند نرخ ارز، موجب تشدید خروج سرمایه می شود.

از سوی دیگر در اواخر پاییز، بازار ارز با انباشت تقاضای ارز برای تسویه حساب های شرکت ها با شرکای تجاری خود در پایان سال میلادی روبروست؛ پس از آن در فصل زمستان نیز تقاضا برای ارز خدماتی بویژه برای مسافرت‌های هموطنان و ثبت نام دانشجویان شدت می گیرد و بنابراین باید بخشی از افزایش نرخ ارز را باید به افزایش تقاضای فصلی نسبت داد.

حرکت به سمت بازار جدید

در هر صورت قرار است بازار ارز تجاری به زودی به عنوان معیار اصلی داد و ستد ارزی و نیز نرخ دهی به بازارها جایگاه خود را در نظام ارزی کشور تثبیت کند؛ حرکت تدریجی که در این زمینه آغاز شده، سبب شده تا عرضه ارز در نیما در ماههای اخیر کاهش یافته و به سمت ارز تجاری هدایت شود و در گام بعدی یعنی از بهمن ماه کل سامانه نیما به بازار تجاری انتقال یابد. این کاهش عرضه در مقاطعی سبب شده تا بخشی از تقاضای ارز به بازار غیررسمی انتقال یابد و بر این اساس باید امیدوار بود با تعمیق تدریجی بازار و کاهش تدریجی حجم عرضه در نیما و افزایش معاملات در بازار ارز تجاری این رویه تعدیل شود.

البته باید گفت که به دلیل جذابیت نرخ ارز نیمایی که از فاصله قیمتی بین بازار غیررسمی و قیمت واقعی ارز ناشی می‌شود، بخشی از متقاضیان ارز نیمایی که در صف تقاضا قرار دارند، با سیاست گذاری جدید بانک مرکزی از صف تقاضا خارج خواهند شد و از سوی دیگر واردکنندگان واقعی که در گذشته به دلیل تخصیص نیافتن ارز مجبور به مراجعه به بازار غیررسمی بودند، امکان واردات به طور رسمی را خواهد داشت و همین امر در بلندمدت بخشی از تقاضاها را در بازار غیررسمی کاهش خواهد داد.

در چنین بستری باید انتظار داشت که حذف سقف ارز نیمایی موجب کاهش معنادار تقاضای ارز نسبت به عرضه ارز شده و در نهایت اثر کاهشی بر تمامی نرخ ها از جمله نرخ غیررسمی ارز خواهد داشت.

بر این اساس می توان برای بهبود نقشه ارز تجاری از روش‌های کاهش استفاده از مسیرهای غیررسمی تسویه‌های ارزی با جایگزینی توافقات دو و چندجانبه با استفاده از دیپلماسی اقتصادی با کشورهای دارای حجم تجاری بالا، به طور خاص در خصوص کالاهای اساسی اشاره کرد یا اینکه برای رفع موانع تامین کالاهای اساسی از مسیرها ی جدید و استفاده از روشهای تهاتری از طریق فراهم کردن امکان تامین ارز کالای اساسی از بازار ارز تجاری و پرداخت ما به تفاوت به صورت ریالی توسط بانک مرکزی برای در دست گرفتن بازار غیررسمی ارز اشاره کرد.

جایزه بزرگ!!!

هانی تحریر

شعبه۱: نوبنیاد۳، مرکز خرید آرین، طبقه اول

شعبه۲: صدف، مرکز خرید بساک، طبقه همکف

۰۹۰۲۲۹۹۲۰۹۹ ۰۷۶ ۴۴۴۵۴۹۶۳

Hany_tahrir

هانی تحریر